

فهم تأثیر اقدام پژوهی مشارکتی بر توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر تهران با رویکرد نوآوری اجتماعی (محلله‌های فرحزاد و خاورشهر)

علی اصغر سعدآبادی* ، زهره رحیمی راد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۷

چکیده

مؤلفه کلیدی رویکرد توانمندسازی از طریق نوآوری اجتماعی، این باور است که ذینفعان سیستم، می‌توانند از منابع و مهارت‌هایی بهره‌مند شوند که کمتر به کار گرفته شده‌اند. با وجود آنکه با توجه به حضور ذینفعان متعدد به‌منظور خلق مشترک، چالش‌های زیادی برای پیاده‌سازی نوآوری اجتماعی دارد، شواهد اندکی در مورد چگونگی فرآیند نوآوری اجتماعی وجود دارد. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از استراتژی اقدام پژوهی مشارکتی، به تحلیل چرخه نوآوری اجتماعی خودکفایی مرغی می‌پردازد که هدف آن توانمندسازی و ایجاد اشتغال برای افراد فاقد مهارت و در حاشیه‌مانده در بخش‌هایی از شهر تهران (مناطق فرحزاد و خاورشهر) بعنوان یک راه‌حل پایدار است. در این اقدام پژوهی، فعالیت‌های کلیدی انجام‌گرفته در طی ۴ بخش چرخه نوآوری اجتماعی (۱- تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه ۲- توسعه نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها ۳- ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب ۴- یادگیری و تکامل) توسط محققان تحلیل شد. نتایج نشان داد که جنبه‌های اثرگذار اقدام پژوهی مشارکتی مبتنی بر نوآوری اجتماعی بر توانمندسازی حاشیه‌نشینان عبارت‌اند از: ۱- ایجاد اشتغال برای افراد فاقد مهارت ۲- از بین بردن چرخه فقر ۳- پایدارسازی فرآیند با ارتباط بین بخش‌های مختلف زنجیره تأمین مواد ارگانیک ۴- تغییر مؤثر شیوه کمک خیرین.

واژه‌های کلیدی: نوآوری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، اقدام پژوهی مشارکتی، خودکفایی

مرغی، توانمندسازی

* استادیار پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

a_sadabadi@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری سیاستگذاری علم و فناوری دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. zrahimi.rad@gmail.com

1. Co-creation

مقدمه و بیان مسئله

مشکل فقر یکی از قدیمی‌ترین مشکلات جوامع بشری است. آمار و ارقام بانک جهانی نشان می‌دهد جمعیتی در حدود ۱۳ درصد کل جمعیت دنیا با درآمد کمتر از ۱٫۹ دلار در روز که فقر مطلق شناخته می‌شود، زندگی می‌کنند (World Bank, 2012: 10) و به همین منظور برنامه‌های متعددی برای کاهش فقر در سراسر دنیا اجرا می‌شود. در ایران نیز حاشیه‌نشینی بعنوان یکی از چهره‌های بارز فقر شهری با رشدی سریع‌تر از شهرنشینی همراه بوده بطوری که ۱۹ میلیون ایرانی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.^۱ منظور از حاشیه‌نشین، خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجری هستند که به تعبیر اسکار لوئیس^۲ در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. آنان به‌طور کامل جذب زندگی جدید شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می‌دهند (Drakakis-Smith, 2012: 8). ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه تا به حال برنامه‌های گوناگونی را برای کاهش فقر و حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار داده است، اما پایایی این مشکل نشان‌دهنده عدم موفقیت کامل این برنامه‌ها در ایران است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۶-۳۱۱). مطالعات نشان می‌دهند همانطور که مشکلات اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و درهم‌تنیده می‌شوند، نیاز به راه‌حل‌های پویا بوجود می‌آید (Chow et al, 2019: 218).

در این زمینه استراتژی‌های کاهش فقر مبتنی بر نوآوری اجتماعی به دنبال ایجاد ارزش اجتماعی با شناسایی فرصت‌ها و منابع به شیوه‌های نوآورانه هستند (Rametse & Shah, 2013: 101)، به‌طور خاص، هدف نوآوران و کارآفرینان اجتماعی، ارتقاء رفاه از طریق ترکیبی از شناخت و بهره‌برداری از فرصت‌ها برای ایجاد این ارزش، استفاده از نوآوری، تحمل ریسک و کاهش محدودیت‌های موجود در منابع است (Peredo & McLean, 2006: 59) تا

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/05/09/1479848>
 2. Oskar Lewis

بدین ترتیب با ارائه راهکارهایی مفید، به کاهش مسائل اجتماعی چون فقر، بیسوادی، تخریب زیست محیطی و غیره بپردازند (Babu & Pinstруп-Andersen, 2007: 20; Bornstein & Davis, 2010: 33).

در نوآوری اجتماعی راهکارها به جای این که توسط متخصصان با رویکرد سلسله مراتبی بالا به پایین هدایت شوند، به مشارکت و توانمندسازی شهروندان اهمیت داده می شود. روش های مورد استفاده با این منظور متنوع بوده و شامل روش هایی چون نوآوری باز^۱، قوم نگاری^۲، اقدام پژوهی^۳ و غیره هستند (Murray et al, 2010: 6). بعنوان مثال روش اقدام پژوهی مشارکتی^۴ ریشه در ارزش هایی چون توانمندسازی، روابط حمایتی، تغییر اجتماعی و یادگیری به عنوان یک فرآیند مداوم دارد (Ochocka et al, 2002: 26). با وجود این روش ها، شواهد کمی در مورد چگونگی تکامل و فرایند نوآوری اجتماعی وجود دارد (Chueri & Araujo, 2019: 23-38).

همراستا با جریان جهانی، نوآوری و کارآفرینی اجتماعی در ایران نیز به مثابه یک استراتژی برای کاهش فقر و توانمندسازی افراد محروم و آسیب پذیر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین محققان این پژوهش در پی فهم چرخه یک نوآوری اجتماعی «خودکفایی مرعی» با هدف تولید مواد پروتئینی ارگانیک و با استفاده از روش اقدام پژوهی مشارکتی برآمدند که این موضوع با تسهیلگری محققان «مرکز نوآوری اجتماعی سلام»^۵ صورت گرفت. در این اقدام پژوهی جوجه هایی بصورت رایگان در میان مردم بخش هایی از مناطق حاشیه نشین شهر تهران (مناطق فرحزاد و خاورشهر) توزیع شد تا بدین ترتیب افراد کم درآمدی که این جوجه ها به آنها داده می شود، آنها را

-
1. Open innovation
 2. Ethnography
 3. Action research
 4. Participatory action research(PAR)

۵- مرکز نوآوری اجتماعی سلام اولین مرکز نوآوری اجتماعی در ایران می باشد که برای کاهش چالش های اجتماعی پا به عرصه ظهور گذاشته است.

پرورش دهند تا با فروش تخم آنها و تکثیرشان به منبع درآمد جدید دست پیدا کنند و کیفیت زندگیشان بهبود پیدا کند. در همین راستا سؤال پژوهش حاضر آن است که تأثیر اقدام پژوهی مشارکتی مبتنی بر چرخه یک نوآوری اجتماعی بر توانمندسازی حاشیه‌نشینان ساکن محله‌های فرحزاد و خاورشهر چگونه است؟

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

زارع و صفری دشتکی (۱۳۹۸) با استفاده از روش پژوهش کیفی و به‌کارگیری راهبرد داده‌بنیاد به ارائه الگویی از کارآفرینی اجتماعی با رویکرد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در کمیته امداد امام خمینی (ره) پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که سیاست‌های توانمندساز به‌منزله پدیده محوری و در تعامل با عوامل دیگر موجب شکل‌گیری کارآفرینی اجتماعی می‌شود. ظرفیت‌سازی، تقویت جسمی- روانی و قوانین حمایتی در شکل‌گیری سیاست‌های توانمندساز تأثیر بسزایی دارند که درنهایت این نگرش، پایه‌ای برای به وجود آمدن پدیده کارآفرینی اجتماعی می‌شود.

رمضانی و همکاران (۱۳۹۷) به مقایسه تأثیر جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی با جهت‌گیری خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر شامل فقر درآمدی، طرد اجتماعی، فقر قابلیت، آسیب‌پذیری و فقر بین‌نسلی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی در مقایسه با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه، در ابعاد مختلف فقر (ضروریات زندگی، سلامت‌محور، مسکن‌محور، مطلق، نسبی، بین‌نسلی، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی) به طور معناداری وضعیت بهتری دارند. کارآفرینی اجتماعی فقر بین‌نسلی را کاهش می‌دهد و چرخه فقر را قطع می‌کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اشتغال صرف‌نظر از جنبه

اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می‌دهد و از خطر انزوا و طرد اجتماعی وی می‌کاهد.

فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده‌اند که آیا تعاونی‌های زنان روستایی می‌توانند پتانسیلی برای شکل‌گیری کارآفرینی اجتماعی باشند؟ محیط کارآفرینی در تعاونی زنان روستایی مورد بررسی از چهارتم اصلی یعنی: کارآفرین، زنان روستایی به‌مثابه اجتماع محلی، زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی و همچنین موانع بازدارنده از توسعه تعاونی ناشی از ضعف کارآفرین و هیئت مؤسس تشکیل می‌شود. استراتژی‌های تعاونی مورد بررسی از استراتژی‌های فعلی (آموزشی، مدیریت نیروی انسانی، مالی، تولیدی و عرضه و فروش) و همچنین راهبردهای توسعه‌ای تعاونی در آینده تشکیل شده است. مقوله خوشه‌ای دستاوردها و پیامدهای تعاونی زنان روستایی مورد بررسی به توانمندسازی و توان‌افزایی زنان، خلق و ایجاد ارزش و موفقیت‌های مالی و در عرصه رقابت تعاونی اشاره دارند.

مطالعات خارجی

اوسترلینک^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به بحث پیرامون پتانسیل نوآوری‌های اجتماعی به عنوان سیاست‌ها و اقدامات مؤثر در کاهش فقر پرداخته‌اند. به نظر آن‌ها نوآوری‌های اجتماعی با ترکیب غیرمتعارفی از بازیگران هدایت می‌شوند و رویکردهایی چندبعدی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی ارائه می‌دهند که این نیازها با سیاست‌های رفاهی در سطح کلان برآورده نمی‌شوند.

کونور و بنت گودلی^۲ (۲۰۱۴) با استفاده از مصاحبه با ۱۵ زن کارآفرین اجتماعی در مناطق روستایی جامبیانی و منطقه شهری شهر تاون و رویکرد مشاهده

1. Oosterlynck
2. Connor and Bent-Goodley

شرکت‌کنندگان به بررسی کارآفرینی اجتماعی زنان محلی در زنگبار تانزانیا پرداخته است. محققان توضیح دادند که نوآوری اجتماعی، مشکلات اجتماعی آنها را از طریق (الف) ایجاد فرصت‌های تحصیلی برای دختران و زنان کم‌درآمد، (ب) تحول در کسب و کار برای تحقق تغییر و رشد اقتصادی و (ج) توانمندسازی جمعیت‌های آسیب‌پذیر و افراد معلول هدف قرار داده و همچنین بر پایداری جامعه تأثیر گذاشته است.

نیاجی و ایتودو^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود تضاد ناخوشایند بین آمار ثروت عظیم آفریقا و نرخ بالای فقر اکثر مردم را بررسی کرده‌اند و اشاره می‌کنند که تداوم فقر در آفریقا نشان می‌دهد که اقدامات سنتی دولت و سازمان‌های بین‌المللی در کاهش فقر ناکام بوده و نتیجه این سناریو بر اقتصاد آفریقا، به ویژه در نیجریه و کامرون بسیار تأسف‌آور است. این مقاله نشان می‌دهد پیدایش سازمان‌های نوظهور کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک روش جایگزین و مکمل مؤثر برای مهار فقر در منطقه در قرن بیست و یکم خواهد بود.

نجفی‌زاده و کوهن^۲ (۲۰۱۷) یک مورد از کارآفرینی اجتماعی را با مشارکت بافندگان فرش در استان بامیان افغانستان، که با محدودیت منابع مواجه است، تشریح کرده‌اند. این ابتکار علاوه بر امکان دستیابی به اشتغال پایدار، برای برخی از افراد امکان دسترسی به آموزش بهتر را فراهم کرد. بعقیده محققان برنامه‌های کاهش فقر مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی این پتانسیل را دارد که شرایط زندگی را بهبود ببخشند و حداقل برخی از افراد را در مسیر تحول تدریجی قرار دهند.

هاف و تالوار^۳ (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از ۴۹ عضو یک شرکت اجتماعی روستایی در شمال هند، روابط بین کارآفرینی اجتماعی، توانمندسازی و تحولات اجتماعی را بررسی کرده‌اند. بعقیده محققان این فرآیندهای تجاری نوآورانه،

-
1. Maji and Itodo
 2. Najafizade and Cohen
 3. Haugh and Talwar

فعالیت اقتصادی زنان را تسهیل کرده و در عین حال که مطابق با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی محلی هستند، در تغییر نظم اجتماعی آنها نقش داشته‌اند.

چارچوب مفهومی پژوهش

توانمندسازی در یک تعریف به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل‌دهی زندگی افراد است (بانک جهانی، ۱۳۹۴: ۲۱). توانمندسازی توسط بانک جهانی (۲۰۱۱) به عنوان فرآیند افزایش ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای انتخاب و تبدیل این انتخاب‌ها به اقدامات و نتایج مطلوب تعریف شده است. سانتوس^۱ (۲۰۱۲) نیز توانمندسازی را به معنای «فرآیند افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های افراد یا گروه‌ها برای انتخاب‌های سودمند و دگرگون‌سازی این انتخاب‌ها به اقدامات و پیامدهای مطلوب» می‌داند. مؤلفه کلیدی رویکرد توانمندسازی این باور است که ذینفعان یا کاربران سیستم، فارغ از این‌که که هستند، می‌توانند از منابع و مهارت‌هایی بهره‌مند شوند که کمتر به کار گرفته شده‌اند.

توانمندسازی دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، فردی و روانشناختی، حقوقی، قانونی و اقتصادی است. توانمندسازی اقتصادی با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارها و بالطبع، کاهش فقر آنان می‌باشد (صفوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). نظریات و مدل‌های مختلفی به موضوع توانمندسازی پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به لین بنت^۲ (۲۰۰۲)، لانگه^۳ (۱۹۹۱)، آمارتیا سن (۱۳۸۱) و کبیر^۴ (۲۰۰۳) اشاره کرد. اخیراً نوآوری اجتماعی بعنوان یک راه‌حل جدید برای چالش‌های اجتماعی با هدف و تأثیر توانمندسازی شناخته شده است (Anderson, 2014: 1). از طریق نوآوری اجتماعی، افراد فقیر و به حاشیه‌رانده شده توانمند می‌شوند

-
1. Santos
 2. Lynn Bennett
 3. Longwe
 4. Kabeer

و پتانسیل آنها به مثابه یک دارایی استراتژیک و منبع اقتصادی، بالفعل می‌شود (Totterdill et al, 2015: 7).

یک ویژگی منحصربه‌فرد نوآوری اجتماعی و عامل تمایز آن از سایر نوآوری‌ها، مشارکت شهروندان در فرایندها و رخدادهای آن است (Edwards-Schachter, 2012, 672-692). نوآوری اجتماعی با بسیج شهروندان آنها را به عامل فعال فرایند نوآوری تبدیل می‌کند (Voorberg et al, 2015:1341) و به این ترتیب می‌تواند در کمک به جوامع محروم محلی و بهبود شایستگی اجتماعی و اقتصادی و ظرفیت‌ها و اشتغال محلی، نقشی اساسی ایفا کند. بعنوان یک نوآوری اجتماعی برای توانمندسازی و کمک به مبارزه با فقر در جهان می‌توان به طرح "انقلاب مرغی" ^۱ بنیاد بیل و ملینا گیتس ^۲ اشاره کرد که اعلام شد طی آن صد هزار قطعه جوجه بصورت رایگان در میان مردم کم‌درآمد دوازده کشور فقیر جهان که اکثراً در قاره آفریقا قرار دارند، جهت فروش و پرورش آنها، توزیع می‌شود. ^۳ مثالی دیگر از یک نوآوری اجتماعی برای کاهش فقر به طور پایدار و توانمندسازی جوانان، صندوق سپرده کودک ^۴ است که توسط جولیان لی گرنده ^۵ در انگلستان توسعه یافته است (Hubert, 2010: 5).

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، در این پژوهش از نوآوری اجتماعی بعنوان راهکاری جهت توانمندسازی استفاده می‌شود و همانگونه که در ادامه تشریح می‌شود، نوآوری اجتماعی می‌تواند ابعاد موردنیاز توانمندسازی مدنظر کبیر (۲۰۰۳) را برآورده سازد:

توانمندسازی: بنابر نظریه نگرش سه‌وجهی به توانمندسازی، کبیر (۲۰۰۳) توانمندسازی را گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی است که پیش‌تر، این توانایی از آنها دریغ شده است. وی در این

-
1. Chicken Revolution
 2. Bill & Melinda Gates Foundation
 3. <https://www.bbc.com/news/world-africa-36487536>
 4. Child Trust Fund
 5. Julian Le Grand

تعریف از سه مؤلفه عاملیت، منابع و دستاوردها بهره می‌گیرد. منابع شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال است. عاملیت به این موضوع اشاره دارد که افراد را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود آنها باید بعنوان بازیگران در فرآیند تغییر باشند. دستاوردها نیز همان نتایج و پیامدها هستند که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شوند که می‌تواند از برآورده شدن نیازهای پایه‌ای تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند خشنودی، وجود عزت نفس، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و غیره را شامل می‌شود.

نوآوری اجتماعی: نوآوری‌های اجتماعی متشکل از بازیگران و ایده‌هایی است که به منظور بهبود شرایط اجتماعی و اغلب با تمرکز بر گروه‌های حاشیه‌نشین گرد هم می‌آیند و با فراهم‌سازی منابع، به تغییر شرایط زندگی مردمان کمتر برخوردار می‌پردازند (Nichols, 2013:7) (توجه به مؤلفه منابع برای توانمندسازی). نوآوری اجتماعی ظرفیت جامعه را به وسیله توانمندسازی بهره‌برداران، ایجاد نقشها و روابط جدید، توسعه دارایی‌ها و توانایی‌ها و/یا استفاده بهتر از دارایی‌ها و منابع افزایش می‌دهد (یاروتینا و بزوان، ۱۳۹۸: ۲۶). نوآوری‌های اجتماعی نه تنها برای جامعه مفیدند، بلکه باعث افزایش ظرفیت جامعه برای فعال‌بودن می‌شوند و روشی مناسب برای مشارکت بازیگران و ذینفعان برای حل مشکلات اجتماعی است. نوآوری اجتماعی، یافتن بهترین راهها برای تقویت شهروندی به ویژه گروه‌های محروم و گم‌شده از طریق درگیری فعال آنها در فرآیندهای نوآورانه است. این مهم دلالت بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی نوآوری اجتماعی دارد (مبینی دهکردی و کشتکار هرانکی، ۱۳۹۴: ۱۳۰) (توجه به مؤلفه عاملیت افراد برای توانمندسازی).

نوآوری اجتماعی، نیازی اجتماعی را برآورده می‌کند و به صراحت برای این اهداف طراحی شده است. هدف اصلی، یافتن راه حلی برای مشکلات اجتماعی است: شناسایی و ارائه خدمات جدید که کیفیت زندگی افراد و جوامع را بهبود می‌بخشد. بطورکلی هر نوآوری که به مسئله اجتماعی در چارچوب نُرْم‌ها، ارزش‌ها و

هنجاری‌های بومی با هدف توانمندسازی پاسخ می‌دهد به گونه‌ای که تأثیر و نتیجه نهایی آن، کارآمدی و رضایتمندی حاکمیت و جامعه باشد، نوآوری اجتماعی است (کشتکار، ۱۳۹۵: ۱۲۴) (توجه به مؤلفه دستاوردها برای توانمندسازی).

به‌منظور پیاده‌سازی یک نوآوری اجتماعی، مدل‌های مختلفی مطرح شده که به گام‌های یک نوآوری اجتماعی می‌پردازند. این مدل‌ها از نظر تعداد مراحل متفاوتند، که مدل‌های سه‌مرحله‌ای، چهارمرحله‌ای، پنج مرحله‌ای و شش مرحله‌ای از آن جمله می‌باشند. جدول ۱ خلاصه برخی مدل‌های نوآوری‌های اجتماعی ارائه شده است. بعنوان نمونه همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، مولگان و همکاران (۲۰۰۷) چرخه نوآوری اجتماعی را به ۴ مرحله تقسیم کرده‌اند، که این مراحل به قرار زیر است:

۱) تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه: نقطه شروع نوآوری، "ایده" برای چگونگی برآورده ساختن نیازی که برآورده نشده است. گاهی اوقات نیازها به‌وضوح مشهودند، مانند گرسنگی، بی‌خانمانی، یا بیماری، اما گاهی اوقات نیازها کمتر آشکارند یا به رسمیت شناخته شده هستند. برای مثال، نژادپرستی یا نیاز به حفاظت از خشونت داخلی؛ با توجه به اهمیت بالای مشکل برای نوآوران اجتماعی، درک کامل مشکل و علل ریشه‌ای آن، یکی از وجوه مهم تدوین راهکار است (Avelino et al, 2019: 195-206) بطورکلی یک مشکل نادیده گرفته شده مشکلی است که عوامل اجتماعی مختلف (دولت‌ها، بازارها، جامعه مدنی) آن را حل نکنند (Chilvers & Longhurst, 2016: 585-607).

علت بروز این قبیل مشکلات آن است که جامعه مشکل را نادیده می‌گیرد یا با وجود مشهود بودن مشکل، راهکاری که برای تدبیر مشکل پیاده‌سازی می‌شود، همچنان فاقد تأثیر لازم یا بسیار پرهزینه است. احتمال آن وجود دارد که مشکلات مربوط به پیامدهای خارجی (پیامدهایی که ارزش‌آفرینی برای جامعه را فراتر از ارزشی جلوه

می‌دهند که در معاملات بازاری مدنظر است)، نادیده گرفته شوند، به‌ویژه زمانی که اقشار محروم را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Santos, 2012: 335-351). در این حالت، بازارها غالباً به دلیل پیامدهای خارجی، دچار ورشکستگی می‌شوند، درحالی‌که دولت‌ها غالباً این نیازها را نادیده می‌گیرند، زیرا صدای قشر محروم شنیده نمی‌شود. بنابراین، مشکلات اجتماعی نادیده گرفته شده‌ای که پیامدهای خارجی دارند و اقشار محروم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، حوزه عمل ترجیحی نوآوران اجتماعی هستند.

۲. توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها: مرحله دوم مدل مولگان،

یافتن ایده‌های مناسب و آزمایش آن در عمل است.

۳. ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب: راهکار در مراحل

اولیه باید در پرتو اطلاعات جدید بازمینی، اصلاح یا رد شود. کارآفرینان اجتماعی پیوسته این فرآیند را تکرار می‌کنند تا به نقطه‌ای برسند که بتوانند راهکاری پایدار را خلق کنند که ظاهراً مؤثر است و اثر اجتماعی دارد. در این مرحله ایده‌های مختلف با قابلیت اجرا ارزیابی می‌شوند و از میان آنها، تثبیت ایده منتخب صورت می‌گیرد. پیاده‌سازی ایده‌ها در مقیاس وسیع، نیازمند تبیین چشم‌انداز منسجم و تدوین راهبرد مناسب، به همراه توانایی هدایت منابع و پشتیبانی‌ها، شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها و نظایر آن است.

۴. یادگیری و تکامل: نوآوری همواره یک فرآیند در حال تغییر است. بنابراین،

توانمندی در یادگیری و داشتن قابلیت سازگاری با هدف این‌که ایده‌ها به فرمی تبدیل شوند که همواره به انتظارات غیرمترقبه؛ بازار رقابتی شدید و پیچیده و نظایر آن پاسخ دهند، ضرورت دارد (Mulgan, 2007: 15).

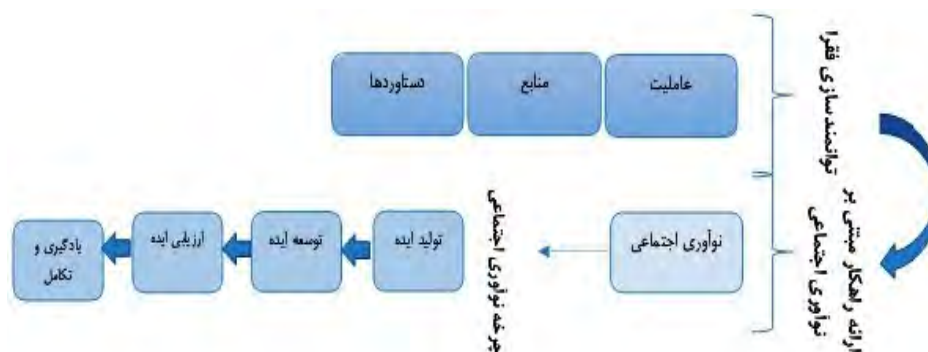
جدول ۱ - برخی از مدل‌های نوآوری اجتماعی

منبع	فراآیندهای مدل	مدل	ردیف
(Oliveira, 2008:12)	کارآموزی، شناسایی راهکارها و آزمون آن‌ها، موفقیت و توسعه، اثر جهانی	چهار مرحله‌ای آشوکا ^۱	۱
(Goldsmith, 2012: 28)	شناسایی نیازها شامل: نیازهای جدید، برآورده نشده یا به صورت کامل برآورده نشده؛ توسعه راه‌حل‌های جدید برای پاسخ به نیازها؛ سنجش اثربخشی راه‌حل‌های جدید برای رفع نیازها؛ اجرا و پیاده‌سازی در مقیاس وسیع.	دفتر مشاوران سیاست اروپا ^۲	۲
(Murray et al, 2010:17)	تشخیص یک مشکل که باید حل شود ایده‌پردازی با هدف حل مشکل، ارائه نمونه اولیه عملی برای آزمایش ایده‌ها؛ ارزیابی عملیاتی ایده منتخب؛ انتشار و اجرا در مقیاس وسیع و تغییرات نظام‌مند	شش مرحله‌ای مورای و همکاران	۳
Mulgan, 2007: (15)	تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه؛ توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها؛ ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب و یادگیری و تکامل	چهار مرحله‌ای مولگان ^۳ و همکاران	۴

به منظور روشن شدن چارچوب کلی و ترسیم ارتباط میان مطالب ذکر شده، مدل

مفهومی این پژوهش در شکل زیر ارائه شده است.

-
1. Ashoka
 2. Bureau of European Policy Advisers
 3. Mulgan



شکل ۱- مدل مفهومی بر مبنای ادبیات تحقیق

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ متغیر، کیفی است؛ با توجه به این که هدف عمده پژوهش‌های کیفی درک فرآیندها و پدیده‌های اجتماعی است، در این تحقیق از روش اقدام پژوهی مشارکتی برای اجرای عملیات تحقیق یعنی پیاده‌سازی نوآوری اجتماعی استفاده شده است. به اعتقاد نیگلاس^۱ (۲۰۰۴) اقدام پژوهی در پارادایم پراگماتیسم و تئوری انتقادی قرار دارد. اتخاذ رویکرد اقدام پژوهی باعث می‌شود محققان بدانند که چگونه در ظهور و توسعه نوآوری اجتماعی عمیق شوند. نوآوری اجتماعی و اقدام پژوهی هر دو به تغییر از طریق یادگیری سازنده و ایجاد مهارت‌های جدید برای رسیدگی به چالش‌های مشترک می‌پردازند و در نتیجه به طور ذاتی یک رویکرد فرآیندی توسط آنها در نظر گرفته می‌شود.

به عقیده مازیگو^۲ (۲۰۱۷) یک اقدام پژوهی خوب طراحی شده و خوب اجرا شده می‌تواند فرصت‌هایی مشترک از چالش‌های فردی و اجتماعی و راهکارهای احتمالی آنها فراهم آورد و با توجه به تمرکز بر نتایج عملی، اساساً مستلزم جذب ذینفعان مرتبط

1. Niglas
2. Mazigo

در فرآیندهای تعاملی بازتاب و گفتگو برای حل مشکلات مطرحه است. بدین ترتیب اقدام پژوهی مناسب‌ترین رویکرد روش‌شناختی برای درک و تحلیل نوآوری اجتماعی است (Moulaert et al, 2013: 14).

در پژوهش حاضر، روند اجرای اقدام پژوهی با رویکرد نوآوری اجتماعی با استفاده از چارچوب چرخه نوآوری اجتماعی دنبال شده است، بدین منظور ما از چارچوب چرخه نوآوری اجتماعی مندرج در جدول ۲ نیز استفاده می‌کنیم که مراحل آن مطابق با مدل چهار مرحله‌ای مولگان و همکاران (۲۰۰۷) عبارتند از: ۱- تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه، ۲- توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها، ۳- ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب و ۴- یادگیری و تکامل. در این جدول به منظور درک مراحل مختلف این چرخه، هر یک از مراحل با یکی از فازهای یک روش اقدام پژوهی ۴ مرحله‌ای متناظر شده‌اند.

لازم بذکر است که مدل‌های متفاوتی توسط محققان مختلف از جمله مدل ۹ مرحله‌ای یا ۴ مرحله‌ای برای اقدام پژوهی پیشنهاد شده است که با توجه به چرخه نوآوری اجتماعی چهار مرحله‌ای منتخب در این پژوهش و ایجاد تناظر در مراحل، از مدل چهار مرحله‌ای اقدام پژوهی مدنظر ونگ و داویسون^۱ (۲۰۱۸) استفاده شد که مراحل آن عبارتند از: تشخیص و برنامه‌ریزی، اقدام برای رفع مشکل، مشاهده به‌منظور نمایان ساختن میزان تغییرات انجام شده جهت رفع مشکل و تحلیل و تعدیل (Wong and Davison, 2018: 547-557).

1. Wong and Davison

جدول ۲- چارچوب بررسی و آزمایش راهکارهای مبتنی بر نوآوری اجتماعی

مؤلفه‌های مدل نوآوری اجتماعی	فازهای اقدام پژوهی
تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه	تشخیص مشکل و برنامه ریزی
توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها	اقدام برای رفع مشکل
ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب	مشاهده بمنظور نمایان ساختن میزان تغییرات انجام شده جهت رفع مشکل
یادگیری و تکامل	تحلیل و تعدیل اقدام

با توجه به آنکه اقدام پژوهی یک مطالعه فرایندی است که برای نشان دادن تغییرات ایجاد شده، نیاز به گردآوری منظم و مکرر داده‌ها دارد، معمولاً توصیه می‌شود، محققان اقدام پژوهی از چندین منبع برای گردآوری داده‌ها استفاده کنند تا تصویر جامعی به دست بیاورند. در این پژوهش ضمن تحلیل مستندات موجود و مطالعات کتابخانه‌ای، از داده‌های کیفی مستخرج از مصاحبه، مشاهده مستقیم و گروه‌های کانونی استفاده شد. در گام‌های مختلف اقدام پژوهی، جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یافت که به نقطه اشباع^۱ برسیم؛ جایی که داده‌های جدید با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری نموده‌ایم، تفاوتی نداشته باشد. در اقدام پژوهی به انجام رسیده مشاهدات میدانی یکی از مهمترین بخش‌های دسترسی به اطلاعات بود. مراجعه به مناطق مذکور و مشاهدات میدانی سبب وسعت دید و روشن شدن ابعاد مختلف موضوع برای پژوهشگران گردید. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای با مشارکت‌کنندگان در پژوهش - از جمله مددجویان، محققان مرکز سلام و خیرین - در گام‌های مختلف اقدام پژوهی انجام شد. مصاحبه‌ها عموماً بین نیم تا ۲ ساعت طول کشید. همچنین به منظور پی بردن به جزئیات مسئله، چهار گروه کانونی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تشکیل شد. بعنوان مثال از جمله سوالاتی که در گام اول در مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی از افراد مورد مطالعه پرسیده

می‌شد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: به عقیده شما دلیل اصلی این مشکل (فقر و بیکاری) چیست؟، پیامدهای فقر و بیکاری چیست؟ اگر هیچ کار دیگری برای پاسخ دادن به آن صورت نگیرد، چه اتفاقی در طول زمان خواهد افتاد؟، خود شما یا افراد و سازمان‌های دیگر چه کارهایی برای حل مشکل انجام داده‌اید؟ چه کاری موفق بوده است؟، چه کار دیگری می‌توانید انجام بدهید؟ چرا؟ چه چیزی مانع شما از انجام این کار شده است؟، به نظر شما، با توجه به این‌که همه خواهان پایان دادن به این معضل اجتماعی هستند، چرا این مشکل همچنان باقی است؟، چه فرد دیگری باید دخیل شود تا برای حل این مشکل کمک نماید؟ و....

در پایان هرگام نیز به منظور اطمینان از پایایی و روایی داده‌های کیفی مورد استفاده در پژوهش، معیارهای تعیین شده توسط لینکلن و گووبا^۱ (۱۹۸۵) بررسی شد. به عنوان مثال برای تضمین اعتبار یافته‌ها چندین منبع داده بررسی شد و با کمک بازیگران کلیدی پروژه این مشاهدات و بینش‌ها مورد تأیید قرار گرفت. همچنین با توجه به آنکه باید مشخص شود آیا راهکار پیشنهادی در توانمندسازی جامعه هدف مؤثر بوده است یا خیر، از چندین شاخص کمی و کیفی استفاده شده که این شاخص‌ها عبارتند از:

شاخص‌های کمی: تعداد خانوارهای ذینفع، تعداد اشتغال ایجاد شده و تعداد محصولات تولیدی

شاخص‌های کیفی: بهبود کیفیت زندگی مددجویان، پایدارسازی مشاغل و سازمان‌یافته‌تر شدن خدمات خیرین تاثیرگذار بر زندگی مردم.

یافته‌ها

در این بخش بر اساس فازهای اقدام پژوهی، به تشریح هر فاز و این‌که هر بخش چرخه نوآوری اجتماعی چگونه است و چه یافته‌هایی به دست آمده است، ارائه می‌شود. در

1. Lincoln and Guba

جدول ۳ فعالیت‌های کلیدی صورت گرفته در گام‌های مختلف چرخه نوآوری اجتماعی «خودکفایی مرغی» بطور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۳- فعالیت‌های کلیدی صورت گرفته در اقدام پژوهی "خودکفایی مرغی"

فرآیند چرخه	فعالیت‌های کلیدی صورت گرفته توسط محققان	فعالیت‌های کلیدی صورت گرفته توسط مددجویان
تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه	<ul style="list-style-type: none"> - تحلیل مستندات موجود پیرامون وضعیت معیشت و زندگی مردم در محله‌های هدف (فرحزاد و خاورشهر) - آسیب شناسی تلاش‌های توانمندسازی پیشین - بررسی‌های میدانی 	حضور در مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی برای ایجاد تصاویر اولیه از مشکل
توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه گزینه‌های مختلف توسط محققان به منظور اشتغال و توانمندسازی افراد فاقد مهارت - ارزیابی گزینه‌های مختلف با کمک ساکنین - برگزاری گروه کانونی - تعیین راه حل نهایی: تولید غذاهای ارگانیک 	حضور در مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی به منظور ایجاد زمینه مشترک بین خود و محققان و ارزیابی گزینه‌های مختلف
ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب	<ul style="list-style-type: none"> - اجرای فرآیند اصلی نوآوری • مراجعه به بازار پرندگان و آشنایی و شناخت محققان با جوجه‌های مناسب • خرید و پرورش چند جوجه بصورت پایلوت • خرید نهایی جوجه‌ها و تحویل آنها به خانوارهای هدف 	<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت در آموزش‌های ارائه شده توسط محققان به منظور پرورش مرغ و سایر پرندگان - انجام امور مربوط به پرورش پرندگان از جمله تغذیه، نگهداری، تفکیک تخم مرغ، تحویل به مسئول فروش و...

<p>• بازدید ماهانه از شرایط نگهداری و سلامت مرغ و بلدرچین توزیع شده توسط محققان</p> <p>• فروش پرندگان و تخم آنها</p> <p>- ارزیابی تأثیر نوآوری اجتماعی توسط محققان با برگزاری گروه کانونی بهبود شرایط زندگی مددجویان با استفاده از تمایل خیرین به کمک به مددجویان از طریق شیوه‌های مفیدتر از قبل</p>	<p>- مشارکت در فعالیت‌های تشویقی</p>	
<p>- ارزیابی نتایج اولیه فرآیند صورت گرفته توسط مصاحبه با ساکنین و برگزاری گروه کانونی</p> <p>- تعیین پیشنهادهای بهبود</p> <p>- تعیین مشکلات و چالش‌های پیش روی نوآوری و راه‌حل‌های محتمل</p>	<p>- حضور در مصاحبه‌ها و گروه‌های کانونی برای ارزیابی فرآیند طی شده</p> <p>- مشارکت در فعالیت‌های بهبود و راه‌حل‌های ارائه شده توسط محققان</p>	<p>یادگیری و تکامل</p>

• گام اول: تشخیص و برنامه‌ریزی

در این گام که بخش اول چرخه نوآوری اجتماعی یعنی تولید ایده با درک نیازها و شناسایی راه‌حل‌های بالقوه اتفاق می‌افتد، یافته‌ها در سه گام گزارش می‌شوند. برای شروع کار و در گام نخست اقدام‌پژوهی لازم است داده‌ها یا اطلاعات لازم درباره موضوع مورد بررسی، جمع‌آوری شود (Mays & Pope, 2000) که این موضوع در سه بخش انجام شد.

الف) تحلیل مستندات موجود پیرامون وضعیت معیشت و زندگی مردم در

محلله‌های هدف (فرحزاد و خاورشهر)

دره فرحزاد واقع در شمال غرب منطقه ۲ تهران از ۴۰ سال گذشته تاکنون یکی از آسیب‌زاترین نقاط شهر تهران است^۱ و طبق شواهد ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت منطقه فرحزاد از مهاجران کشور افغانستان هستند^۲. مشکلات این منطقه اعم از بیکاری، اعتیاد، کمبود تسهیلات شهری، زندگی در مکان‌های منزوی، پرمخاطره و بدون امکانات، زندگی ناپایدار، سوءرفتارهای افراد قدرتمند، عدم امکانات زیربنایی، آلودگی‌های محیط زیستی، ناهنجاری‌های اجتماعی و نهایتاً فقر مطلق بوده است که به شکل حادی در این محله، خودنمایی می‌کند و بی توجهی به معضلات این حاشیه‌نشینان انواع آسیب‌های اجتماعی، روانی، آسایشی و امنیتی را به بار آورده است. علاوه بر اینها تمایل به کسب درآمد ساکنان فقیر این منطقه از مراکز تفکیک غیرقانونی زباله (مافیای زباله) بر دامن زدن به مشکلات موجود می‌افزاید.

علاوه بر فرحزاد، منطقه خاورشهر در جنوب شرق تهران نیز از وضعیت مشابهی رنج می‌برد، که ۴۵ درصد ساکنان آن را نیز مهاجران کشور افغانستان شامل می‌شود و خصوصاً کوره پزخانه‌ها در این منطقه بعنوان مهم‌ترین معضل، مشکلات زیادی را ایجاد کرده است^۳. شرایط سکونت در منطقه خاورشهر به گونه‌ای است که ساکنان آنها در اتافک‌هایی زندگی می‌کنند که گاه بالغ بر ۶ نفر را در خود جای می‌دهند، حمام و توالت آنها مشترک است و آب لوله‌کشی نیز وجود ندارد. اطراف بسیاری از خانه‌ها گودال‌های عظیمی دیده می‌شوند که در اثر برداشت بی‌رویه خاک مرغوب منطقه برای تولید آجر ایجاد شده و اکنون پس از تعطیلی بسیاری از کوره‌ها، به زباله‌دانی برای پسماندها بدل شده‌اند. دختران این منطقه از همان کودکی مسئولیت مادری را متحمل

1. www.irna.ir/fa/News/81751469

2. www.mehrnews.com/news/4173635

3. www.yjc.ir/fa/news/5520341

می‌شوند و پدیده کودک‌همسری^۱ در اینجا به وفور به چشم می‌خورد. شرایط طاقت‌فرسای کار در کوره‌ها بگونه‌ای است که فرزندان به سرعت به نیروی کاری در کنار خانواده‌ها بدل می‌شوند. اکثر این افراد دارای بیکاری فصلی بوده و آنهایی که مشغول به کارند به مشاغل کاذب روی آورده‌اند.

ب) آسیب‌شناسی تلاش‌های توانمندسازی پیشین

تاکنون برای کاستن از آسیب‌های یادشده، مراکز خیریه سعی در کمک به افراد محروم این مناطق داشته‌اند، اما کمک به افراد به صورت مقرر و سبدهای غذایی، وابستگی‌های ناسالمی همچون تنبلی و عدم پویایی ایجاد کرده، علاوه بر این به دلیل کم شدن مقدار و ارزش کمک‌های مردمی در دوره‌های رکود و تورم، خیریه‌ها قادر به ادامه ارائه خدمات به جامعه هدف نبوده و همچنین بدلیل افزایش نیازهای اجتماعی، تداوم ارائه خدمات، نیاز به منابع مالی بیشتری دارد. این درحالی است که چنانچه این کمک‌ها در جهت نوآوری و کارآفرینی اجتماعی هزینه شود می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش فقر داشته باشد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۱۷۹). بطور خلاصه می‌توان آسیب‌های شناسایی شده را به شرح زیر برشمرد:

- ایجاد وابستگی‌های ناسالم به مراکز خیریه و تداوم عدم پویایی
- عدم اعتماد اولیه برای شروع کار با توجه به تجربه‌های تلخ مددجویان
- ایدئولوژی‌های غالب متمرکز بر فقر در ساکنان مناطق یادشده
- دخالت‌های گاه و بیگاه شهرداری در امور مربوط به اراضی که مددجویان در آنجا فعالیت می‌کردند.

پ) بررسی‌های میدانی

محققان پس از بازدید حضوری، انجام مصاحبه‌های عمیق و برگزاری دو گروه کانونی با حضور ساکنین به شرایط این مناطق پرداخته و درصدد برنامه‌ریزی بنیادین، برای حل این مشکل و ارائه راهکارهایی مبتنی بر نوآوری اجتماعی با رویکرد توانمندسازی و مهارت‌آموزی برآمدند. ذکر این نکته لازم است که با توجه به حضور مهاجران افغان در بین مددجویان (که طبق برآورد محققان، نیمی از آنها را شامل می‌شوند) که گاهی حتی به صورت غیرقانونی در ایران زندگی می‌کنند و دارای محدودیت در انجام برخی مشاغل هستند، ایده پیشنهادی می‌بایست برای این قشر نیز مناسب باشد.

اقدام پژوهی مشارکتی همان‌گونه که از اسم آن نیز بر می‌آید بر اهمیت مشارکت ذینفعان و حل مسائل واقعی زندگی تأکید داشته و تمرکز آن بر ایجاد ارزش‌های مشترک بین محققان و افراد درگیر است. با این وجود همان‌گونه که بیان شد وجود مسائلی همچون وابستگی‌های ناسالم به مراکز خیریه و تجارب ناموفق قبلی مددجویان و... باعث شد که آمادگی مددجویان ساکن مناطق فرحزاد و خاورشهر بعنوان افراد مورد مطالعه برای اجرای یک فرآیند مشارکتی پایین باشد. بنابراین نیاز به یک رویکرد تغییر تدریجی همراه با آموزش و یادگیری مستمر بوجود آمد تا بدین ترتیب، با تغییرات فرهنگی، نتایج ملموسی پدید آید. فرآیند تغییر به صورت تدریجی منجر به افزایش انگیزه مددجویان در مشارکت برای تغییر شده و مقاومت آنها نسبت به تغییر را کاهش می‌دهد.

محققان در ابتدا جلسات بسیاری را با افراد چه بصورت فردی و چه به صورت گروه کانونی با مددجویان در خصوص تجربیات و نگرش‌ها و رفتارهای آنها، با افراد مورد مطالعه داشتند که جزییات وقایع و حقایق برداشتی نیز ثبت گردید. براین اساس پس از بوجود آوردن یک بستر و وجه مشترک میان افراد، از آنها خواسته می‌شد تا در مورد موضوع صحبت کرده و نظرات خود را اعلام نمایند. سپس با ایجاد تصاویر اولیه

از آنچه که می‌خواهند و جایی که در حال حاضر هستند و نیز بررسی مزایای تغییر و هزینه‌های عدم تغییر، زمینه مشترکی بین افراد ایجاد گردید. ایجاد زمینه مشترک می‌تواند برآورد اولیه‌ای از این که چرا می‌خواهیم باهم متحد شویم، احساس مشترکمان از مسیری که می‌خواهیم طی کنیم و نیز توافق در پذیرش مسئولیت افراد در قبال مشکلات حال حاضر، بشود.

ذینفعانی که به دنبال همکاری باهم هستند، اغلب دیدگاه‌های مختلفی از واقعیت دارند. برگزاری گفتگوهای سازنده میان افراد، ظرفیت عمیق‌تری برای درک مسئولیت آنها از مشکلات حال حاضر را بوجود می‌آورد. افراد مشاهده می‌کنند که چگونه نیت‌ها، مفروضات و اقدامات‌شان، بطور ناخواسته در مشکلاتی که می‌خواهند حل نمایند، دخیل هستند و باید بپذیرند که گاهی ناخواسته در افزایش این مشکل سهیم بوده‌اند. در گام‌های بعدی این اقدام‌پژوهی، پس از تعیین ایده اصلی برای حل مشکل بصورت گام به گام آموزشهای لازم به مددجویان (چه بصورت گروهی و چه بصورت فردی) داده می‌شد تا مهارت‌های لازم برای پیشبرد این موضوع را کسب کنند.

• گام دوم: اقدام برای رفع مشکل

این گام به بخش دوم چرخه نوآوری اجتماعی یعنی توسعه، نمونه‌سازی و ارائه الگوی اولیه ایده‌ها می‌پردازد. نقطه شروع نوآوری، خلق ایده برای چگونگی برآورده ساختن نیازی است که برآورده نشده است. محققان در سال ۱۳۹۵ با مشاهده مشکلات متعدد یادشده در مناطق فرحزاد و خاورشهر سعی در حل یک مشکل و معضل مشخص یعنی عدم توانمندی و فقدان مهارت خانواده‌های این مناطق و بنابراین راه حل توانمندسازی این جوامع داشتند. منظور از توانمندسازی در این مطالعه، نوعی نگرش به پدیده حاشیه‌نشینی است که در آن کوشیده می‌شود محیطی فراهم شود که مردم ساکن در آن منطقه با استفاده از منابع تحت مالکیت خود و تولید بتوانند راه‌حلی محلی برای مشکلات خود پیدا کنند.

در این رویکرد به افرادی که نیاز به کمک دارند به شکل یک مشکل نگاه نمی‌شود که می‌بایست بر روی آن‌ها مدیریت صورت گیرد، بلکه به دید انسان‌هایی با نیروها و استعدادهای بالقوه کشف نشده نگریسته می‌شود که خود بخشی از راه‌حل نهایی هستند. پس با این اعتقاد که هرگونه تغییر برای مقابله با مشکلات و شرایط زندگی، تنها از طریق مشارکت خود افراد ساکن همان جا امکان پذیر می‌باشد، گزینه‌های مختلفی در گروه‌های کانونی با حضور مددجویان با تسهیلگری محققان به‌منظور اشتغال و توانمندسازی افراد فاقد مهارت، بررسی شد که از جمله این موارد می‌توان به پرورش دام، بافت قالیچه‌های کوچک و همچنین پرورش پرندگان اشاره کرد که در ادامه پرورش پرندگان بعنوان راه‌حل نهایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در درون یک راهکار پایدار، باید یک پیشنهاد ارزشی روشن و معتبر وجود داشته باشد که احتمال حل مشکل اجتماعی مدنظر را افزایش دهد. در سال‌های اخیر علاقه مصرف‌کنندگان به غذاهای ارگانیک (اعم از گوشت قرمز، گوشت سفید، میوه و سبزیجات و تخم مرغ) افزایش قابل توجهی داشته است. این علاقه‌مندی بدلیل افزایش آگاهی مردم از موضوعات بهداشتی و زیست محیطی و درک بیشتر از ایمنی مواد غذایی حاصل شده است. امروزه خواسته بسیاری از مصرف‌کنندگان، تضمین ایمنی و سلامت محصول از سوی تولیدکنندگان و اطمینان از نداشتن اثر سوءتولید بر محیط زیست است. در همین راستا استفاده از آنتی‌بیوتیک و مواد شیمیایی و دارویی در برخی واحدهای صنعتی و بزرگ مرغداری باعث شده است که مشتریان اعتماد خود را به این دسته از محصولات از دست بدهند و غذاهای ارگانیک یا در اصطلاح عامه بازار ایران «محصولات محلی» مشتریان زیادی را به خود جذب کند.

طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، ۱۴۸۹۴ تُن تخم مرغ صنعتی تولید شده است^۱. این در حالیست که مرغ‌های بومی که به صورت آزادانه و در داخل طبیعت

1. https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1395/n_nsampmmk_95.pdf

و خارج از قفس نگهداری می‌شوند، فقط حدود ۹۰-۱۰۰ هزار تن تولید تخم مرغ می‌کنند (صلاحی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۲). بنابراین محققان به منظور پرکردن خلا کمبود محصولات ارگانیک، در پی ایجاد بستری بودند که مددجویان این مناطق با تولید محصولات ارگانیک مانند مرغ و فروش تخم آنها با قیمتی پایین‌تر از فروشگاه‌های عرضه مواد غذایی به یک کسب و کار پایدار دست یابند. از سوی دیگر با توجه به ظرفیت خیرین و تمایل آنها برای کمک به مددجویان، حضور فعال آنها در کمک به اثربخشی و پایداری این راه‌حل ثمربخش خواهد بود.

بدین ترتیب، راه‌حل پیشنهادی، طرح "خودکفایی مرغی" نام گرفت که هدف آن ایجاد کسب و کاری کوچک و با درآمد مناسب با پرورش مرغ بومی و بلدرچین بود که در این بین نقش محققان، تأمین نیاز اولیه مددجویان به پرندگان، ترغیب مددجویان به آغاز و تداوم فرآیند و همچنین تسهیلگری ارتباط مددجو و مصرف کننده بود- بصورتی که مددجویان را ترغیب به تولید محصولات مدنظر کرد - و همچنین به واسطه‌گری جهت فروش محصولات می‌پرداخت.

بطور خلاصه خرید و تحویل جوجه پرندگان مدنظر توسط محققان در ۵ مرحله زیر انجام شد:

- ۱- مراجعه به بازار پرندگان و آشنایی و شناخت محققان با جوجه‌های مناسب
- ۲- خرید و پرورش چند جوجه بصورت پایلوت - در ابتدا بصورت آزمایشی به مددجویان هدف ۲۰ جوجه تحویل داده می‌شد - و در صورت موفقیت آنها در پرورش جوجه‌ها، این فرآیند تداوم می‌یافت و تعداد جوجه‌های تحویلی افزایش می‌یافت.
- ۳- خرید نهایی جوجه‌ها و تحویل آنها به مددجویان هدف
- ۴- بازدید ماهانه از شرایط نگهداری و سلامت مرغ و بلدرچین توزیع شده توسط محققان

۵- فروش پرندگان و تخم آنها، در ابتدا محققان به صورت تضمینی تخم پرندگان را بصورت هفتگی و پرندگانی را که به حد مناسب رشد می‌رسیدند به صورت تجمیعی

خریداری می‌کردند و با قیمتی پایین‌تر از بازار در اختیار مصرف‌کنندگان محصولات ارگانیک قرار می‌داند.

• گام سوم: مشاهده به‌منظور نمایان ساختن میزان تغییرات انجام شده جهت

رفع مشکل

در این گام به بخش سوم چرخه نوآوری اجتماعی یا همان ارزیابی، اجرا در مقیاس وسیع و انتشار ایده‌های خوب پرداخته می‌شود. با توجه به ارزیابی صورت گرفته توسط محققان و بازخوردهای حاصله از جمله در گروه‌های کانونی؛ بدلیل زیر بنظر رسید که پرورش و نگهداری مرغ بومی در این مناطق می‌تواند یک راهکار پایدار تلقی شود:

• پرورش مرغ بومی، واحد تولیدی کوچکی را به وجود می‌آورد که نیاز به فناوری خاصی ندارد و باعث ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود تغذیه مددجویان می‌شود.

• تهیه محل و جایگاه برای پرورش مرغ، در این مناطق بسیار آسان‌تر از فراهم کردن محل و جایگاه برای پرورش دیگر حیوانات اهلی است.

• زنان و دختران این مناطق به عنوان یک نیروی کار مناسب می‌توانند مدیریت و نگهداری از یک گله کوچک مرغ را بر عهده گیرند.

• نگهداری و پرورش مرغ‌های بومی، به دلیل نیاز نداشتن به امکانات و تجهیزاتی که در پرورش مرغ‌های صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرند و نیز داشتن مقاومت بیشتر و سازگاری با اقلیم بومی، آسان‌تر است. مرغ بومی در برابر شرایط نامساعد زیستی و بیماری‌ها مقاومت بیشتری دارد.

• نگهداری مرغ بومی، با کم‌ترین هزینه و تنها با مصرف باقیمانده مواد غذایی نیز میسر است.

• گوشت مرغ و تخم مرغ دارای ارزش غذایی زیادی بوده و تأمین‌کننده پروتئین حیوانی خانوار است.

• در شرایطی که اغلب یخچال وجود ندارد، نگهداری تخم مرغ بسیار ساده‌تر از سایر منابع پروتئینی است (شیخیان، ۱۳۹۴: ۱۰).

• با نگهداری و پرورش مرغ بومی، اعضای خانواده مددجویان به ویژه کودکان، بیش از پیش با پرندگان خو می‌گیرند که می‌تواند باعث مسئولیت‌پذیری و انس با طبیعت در آنان شده و یک وسیله بازی و سرگرمی برای آنها بحساب آید. همچنین از نظر علم روانشناسی و تربیت تاثیرات مثبتی در شکل‌گیری شخصیت آنان دارد.

در طی این فرآیند سعی می‌شد تعدادی از خیرین از فضاهای تولیدی بازدید کنند تا بین آنها و خانواده‌های مددجویان ارتباط برقرار گردد و زمینه‌هایی برای استفاده از ظرفیت خیرین جهت بهبود وضعیت زندگی مددجویان فراهم گردد. علاوه بر این به‌منظور تشویق و ترغیب بیشتر مددجویان مسابقه‌ای به‌منظور ساخت قفس و حصار مرغ برگزار گردید به این صورت که به قفس‌هایی که بیشترین مسائل زیست‌محیطی را رعایت کرده بودند، جوایزی داده می‌شد. نهایتاً این مسابقه منجر به این شد که قفس‌هایی بسیار مناسب و با کمک مواد دوستدار طبیعت ساخته شود، ضمناً مددجویانی که راندمان بهتری داشتند از مزایای دیگر از قبیل نگهداری سایر پرندگان از قبیل بلدرچین، کبک و قرقاول و... برخوردار می‌شدند.

• **گام چهارم: یادگیری و تکامل**
در گام پایانی این اقدام پژوهی، بخش‌هایی چرخه نوآوری اجتماعی یعنی یادگیری و تکامل بررسی می‌شود. با توجه به آنکه باید مشخص شود آیا راهکار پیشنهادی در توانمندسازی جامعه هدف مؤثر بوده است یا خیر، از چندین شاخص کمی و کیفی اعم از تعداد خانوارهای ذینفع، تعداد اشتغال ایجاد شده، تعداد محصولات تولیدی، بهبود کیفیت زندگی مددجویان، پایدارسازی مشاغل و سازمان‌یافته‌تر شدن

خدمات خیرین تاثیرگذار بر زندگی مردم منطقه استفاده شد که نتایج این شاخص‌ها عبارتند از:

- شاخص‌های کمی

الف) تعداد خانوارهای ذینفع (خانواده‌های ساکن که محل درآمدشان از سایر مشاغل کاذب به این نوع اشتغال تبدیل شده): پس از گذشت یک سال، تعداد خانواده‌های مددجویان که بطور مستقیم در مناطق خاورشهر و فرحزاد از مزایای این طرح استفاده کردند، بترتیب ۸۶ و ۳۲ خانواده‌اند.

ب) تعداد اشتغال ایجاد شده (تمام وقت، پاره وقت) و ج) تعداد محصولات تولیدی: نتایج طرح خودکفایی مرغی مربوط به سال نخست در جدول ۴ ارائه شده است. در حال حاضر پس از گذشت چهارسال از شروع فرآیند خودکفایی مرغی، این طرح توسعه پیدا کرد و بطوری که اشتغال تمام وقت ایجاد شده در جدول ۴، به میزان ۲/۵ برابر افزایش یافت.

جدول ۴- نتایج طرح خودکفایی مرغی در سال ۱۳۹۶

فرحزاد	خاورشهر	منطقه تعداد
۳۲	۸۶	تعداد خانوارهای ذینفع بطور مستقیم
۵	۹	تعداد اشتغال تمام وقت
۵۴	۱۳۱	تعداد اشتغال پاره وقت
۴۵۰	۱۵۰۰	تعداد تخم مرغ تولیدی

شاخص‌های کیفی

الف) بهبود کیفیت زندگی مددجویان: با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته، سه خانوار که پیش‌تر ساکن فرحزاد بودند، با درآمد حاصله از این کار از این منطقه مهاجرت نموده، اما کماکان به فعالیت پرورش مرغ در محل قبلی ادامه می‌دهند.

ب) پایدارسازی مشاغل: با توجه به آنکه تخم‌مرغ‌ها ۳ درصد پایین‌تر از قیمت بازار، به فروشگاه‌ها عرضه می‌گردد، پایداری کار میسر گشت و توانست درآمد پایداری برای افراد فاقد مهارت ایجاد کند. همچنین محققان به منظور سامان‌دهی و پایدارسازی فرآیند تصمیم‌گرفتند که طرف تقاضا را به طور مستقیم به طرف عرضه متصل کنند، بطوری‌که فردی، مسئول جمع‌آوری تخم‌مرغ‌ها و رساندن آن‌ها به دو فروشگاه در این مناطق شد، بنابراین یک چرخه تولید و مصرف کامل شکل گرفت. علاوه بر آنکه این طرح نه تنها توانست مددجویان را از فقر دور کند بلکه با زمینه‌سازی برای مشارکت مددجویان برای حضور در اجتماع، موجب شد تا آنها احساس تعلق به اجتماع کنند، روابط معنادار با دیگران برقرار کنند و نسبت به خود احترام قائل شوند. همچنین پیاده سازی این طرح با تولید مواد پروتئینی، به بهبود تغذیه مددجویان این مناطق نیز انجامید.

پ) سازمان‌یافته‌تر شدن خدمات خیرین تاثیرگذار بر زندگی مردم منطقه: همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد تعدادی از خیرین سعی در کمک به مددجویان داشتند. در این راستا محققان سعی کردند از ظرفیت خیرین استفاده کرده و برخی دیگر از نیازهای مددجویان را تأمین کنند. برخی از این اشکال کمک عبارتند از:

- یک پزشک به درمان و مداوای اعضای خانوار بیمار می‌پردازد.
- یک نجار برخی از امور نجاری خانوارها را بر عهده گرفته است.
- با توجه به حضور مشتریانی از سازمان‌های دولتی، برخی از نیازهای خدمات دولتی آنها نیز مرتفع گردید.

بحث و نتیجه گیری

نوآوری اجتماعی در حقیقت راهکاری مبتکرانه برای حل مشکلات اجتماعی است. نوآوری اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش با هدف توانمندسازی شغلی و اجتماعی ساکنین دو محله حاشیه نشین و محروم در تهران خلق شد. هدف از تحقیق حاضر فهم یک چرخه نوآوری اجتماعی برای افراد فقیر و کم درآمد در دو منطقه شهر تهران با هدف قطع چرخه فقر در میان خانواده‌های فقیر بود که از طریق اقدام پژوهی مشارکتی صورت گرفت. توصیف چرخه نوآوری اجتماعی از مرحله نخست آن یعنی درک نیازها تا مرحله آخر یعنی یادگیری و تکامل در بخش حاشیه‌نشین شهر تهران با رعایت اصول اقدام پژوهی مشارکتی انجام شد. در نوآوری اجتماعی خودکفایی مرغی، محققان به مثابه تسهیلگر نوآوری اجتماعی عمل کردند و در مراحل مختلف چرخه نوآوری اجتماعی، از مددجویان حمایت کردند

مطابق با نظریه نگرش سه وجهی به توانمندسازی کبیر (۲۰۰۳)، نوآوری اجتماعی خودکفایی مرغی با فراهم‌سازی منابع مورد نیاز اولیه از قبیل امکانات و آموزش (منابع) به مددجویان صرفاً به عنوان دریافت کنندگان خدمات نگاه نکرد، بلکه خود مددجویان نقش آفرینان اصلی در فرآیند تغییر بودند (عاملیت)، همچنین در اثر فرآیند توانمندسازی علاوه بر برآورده‌سازی نیازهای پایه‌ای چون درآمد، دستاوردهای پیچیده‌تری همچون عزت نفس و ادغام اجتماعی نیز بدست آمد (دستاوردها).

محققان در بررسی چرخه نوآوری اجتماعی کوشش نمودند از اصول اقدام پژوهی مشارکتی سلنر^۱ (۱۹۹۷) استفاده کنند. همانطور که اصل اول سلنر اذعان دارد که یک مشکل باید ریشه در جامعه داشته باشد و توسط جامعه تعریف، تجزیه و تحلیل و حل شود، تکمیل طرح خودکفایی مرغی، صرفاً از طریق درگیر شدن کامل مددجویان میسر شد. همچنین در تمام مراحل چرخه خودکفایی مرغی اعم از ایده‌پردازی اولیه برای

انتخاب راه‌حل، سعی شد از روش‌هایی استفاده شود که بتواند مشارکت و تعامل ذینفعان مختلف را به حداکثر برساند. مطابق با اصل دوم اقدام‌پژوهی مشارکتی، هدف نهایی تحقیق اقدام‌پژوهی، تحولات رادیکال واقعیت اجتماعی و بهبود زندگی افراد درگیر است.

در این مطالعه موردی بازیگران اجتماعی در شرایط واقعی با هم همکاری کردند، به گونه‌ای که هر کدام از آنها نیز دستاورد کسب کردند، و فرآیند به یک بازی برد-برد تبدیل شد. بعنوان مثال نه تنها مسئله بیکاری مددجویان حل شد بلکه بخشی از نیاز متقاضیان محصولات ارگانیک نیز برطرف شد. اصل سوم نیز معتقد است اقدام‌پژوهی شامل مشارکت کامل و فعال جامعه در تمام سطوح پروسه تحقیق است. اغلب مددجویان، در فرایندی که توسط محققان هدایت می‌شد بصورت فعال همکاری می‌کردند، بگونه‌ای که در صورت عدم تمایل کامل مددجویان به انجام امور مربوطه، دستیابی به اهدافی چون اشتغال و کسب درآمد نیز ممکن نبود. مطابق با اصل چهارم، اقدام‌پژوهی شامل تعدادی از گروه‌های فاقد قدرت از افراد استثمار شده، فقیر، ستمدیده و حاشیه‌نشین است. مددجویان این طرح نیز افراد فقیر و حاشیه‌نشین در دو منطقه شهر تهران (فرحزاد و خاورشهر) بودند.

سلنر، اصل پنجم اقدام‌پژوهی را توانایی ایجاد آگاهی بیشتر در افراد می‌داند که می‌تواند آنها را برای توسعه خودشان بسیج کند. پس از نهایی شدن طرح و مشخص شدن نیازهای اولیه مددجویان جهت شروع طرح، این افراد در آموزش‌های موردنیاز برای تولید محصولات مدنظر شرکت می‌کردند. این نوآوری اجتماعی با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی موجود در این مناطق، پیامدهای غیرملموسی چون افزایش اعتماد به نفس و اعتماد و ظرفیت‌سازی را در افراد محلی فراهم کرد.

در راستای اصل ششم، اقدام‌پژوهی بیشتر از یک روش علمی است، زیرا مشارکت جامعه در روند تحقیق، تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و معتبر واقعیت اجتماعی را تسهیل می‌کند، بدین ترتیب نوآوری اجتماعی در این مطالعه موردی در محیط زندگی واقعی

مددجویان اتفاق افتاد که در آن امکان تولید مفاهیم اجتماعی جدید برای محصولات و خدمات تولید شده وجود داشت. در نهایت و براساس اصل هفتم، اقدام‌پژوهی اجازه می‌دهد تا محقق به عنوان یک مشارکت‌کننده، تسهیل‌کننده و یادگیرنده در فرآیند تحقیق، به جای کناره‌گیری به مقابله بپردازد. در این طرح همکاری واقعی میان محققان، مددجویان و سایر ذینفعان، در نهایت منجر به نتایج مثبتی شد که زندگی مددجویان این مناطق را بهبود بخشید.

به طور خلاصه در طی تکامل چرخه مدنظر، نوآوری‌هایی به وقوع پیوست که هم برای جامعه مطلوب بود و هم ظرفیت جامعه را برای عمل افزایش می‌داد. یکی از جنبه‌های اثرگذار اقدام‌پژوهی مشارکتی مبتنی بر نوآوری اجتماعی بر توانمندسازی حاشیه‌نشینان و ایجاد اشتغال پایدار برای افراد فاقد مهارت است. ریشه بیکاری در نداشتن مهارت و توانایی لازم برای انجام کار است. با توجه به آنکه مددجویان هدف، از حداقل‌های شرایط یادگیری برخوردار بودند، محققان از ابتدا در پی آموزش مهارت‌های ساده و سطح پایینی چون پرورش مرغ و فروش تخم مرغ‌ها به مددجویان بودند تا بتوانند با یادگیری این مهارت‌ها برای خود به کسب درآمد بپردازند. بدین ترتیب آنها با موفقیت در بهره‌گیری از مهارت‌هایشان، شخصاً علاقه‌مند به یادگیری مهارت‌های سطح بالاتر می‌شدند.

در این طرح مددجویانی که می‌توانستند راندمان بهتری داشته باشند از مزایای دیگر از قبیل نگهداری سایر پرندگان از قبیل بلدرچین، کبک و قرقاول و... برخوردار خواهند شد. نجفی زاده و کوهن (۲۰۱۷) و کونور و بنت گودلی (۲۰۱۴) نیز معتقد بودند که کارآفرینی اجتماعی علاوه بر امکان دستیابی به اشتغال پایدار امکان یادگیری مهارت‌های مختلفی که برای مددجویان مناسب است را فراهم می‌سازد. جنبه اثرگذار دیگر از بین بردن فقر است. چرخه فقر اصطلاحی است که برای توضیح شرایط بازتولید فقر در اثر فقر به کار می‌رود. برای درک بهتر آن می‌توان گفت: «فقر با خود فقر به همراه می‌آورد».

نوآوری اجتماعی مورد بررسی، در این پژوهش توانست نه تنها با حمایت از اشتغال گروه‌های محروم اجتماعی آنها را از فقر دور کند بلکه با زمینه سازی برای مشارکت مددجویان برای حضور در اجتماع، موجب شد تا آنها احساس تعلق به اجتماع کنند، روابط معنادار با دیگران برقرار کنند و نسبت به خود احترام قائل شوند و قدر و منزلتی توسط دیگران برای خود قائل شوند. بعبارت دیگر توانمندسازی اقتصادی مددجویان آنها را به خود متکی می‌سازد و روند طرد اجتماعی را معکوس می‌کند، تصویرشان از خودشان و عزت نفس آنها را بهبود می‌بخشد و نتیجه مهم آنکه آنها را با جامعه اصلی ادغام می‌کند. بطورکلی علاوه بر آنکه این طرح به ایجاد اشتغال و بهبود درآمد مددجویان هدف کمک کرده، به بهبود تغذیه این مناطق نیز انجامید و همچنین بخشی از مشکلات بهداشتی آن مناطق مرتفع گشت و فضای فیزیکی آن مناطق نیز بهبود یافت. این جنبه با نتایج رضایی و همکاران (۱۳۹۷) همراستاست، آن‌ها نیز معتقدند کارآفرینی اجتماعی فقر بین‌نسلی را کاهش می‌دهد و چرخه فقر را قطع می‌کند.

جنبه دیگر نوآوری صورت گرفته، تغییر مؤثر شیوه کمک خیرین بود. افراد خیر و مراکز خیریه معمولاً سعی در کمک به افراد محروم این مناطق به صورت مقرر و سبدهای غذایی داشته‌اند، اما این کمک‌ها وابستگی‌هایی همچون تنبلی و عدم پویایی ایجاد می‌کرده. در این راستا محققان سعی کردند از ظرفیت خیرین استفاده کرده و برخی دیگر از نیازهای خانوارها را تأمین کنند. جنبه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، پایدارسازی فرآیند با ارتباط بین بخش‌های مختلف زنجیره تأمین مواد ارگانیک است. با توجه به نتایج مناسبی که از مرحله آزمایشی طرح خودکفایی مرغی در مناطق فرحزاد و خاورشهر بدست آمد و به مرور زمان که فرآیند توسط طرفین عرضه و تقاضا شناخته شد، محققان تصمیم گرفتند تا به منظور سامان دهی و پایدارسازی فرآیند، طرف تقاضا را به طور مستقیم به طرف عرضه متصل کنند و بنابراین یک چرخه تولید و مصرف کامل شکل گرفت.

بطور خلاصه این مطالعه نشان داد که چگونه نوآوران اجتماعی می‌توانند به طور منحصربفردی با ارتقای توانمندی افراد، روی فقر و پیشرفت جامعه تأثیر بگذارند. این

مطالعه موردی یک مثال خوب از این موضوع است که چگونه تعداد کمی از افراد با کمترین هزینه در یک جامعه می‌توانند تاثیرات بزرگی بر کاهش فقر داشته باشند. این نوآوری از طریق به اشتراک گذاشتن دانش و مهارت‌ها نه تنها تأثیر مهمی بر مشکلات اجتماعی و کاهش فقر داشت، بلکه باعث ایجاد انگیزه برای افراد در جوامع حاشیه‌نشین نیز می‌شود. این افراد پس از اعمال این دانش و مهارت جدید در کسب و کار موفق به کسب درآمد برای خانواده و ایجاد ارزش شخصی و عمومی در زندگی خود و اطرافیانشان و همچنین احساس کنترل بر سرنوشت خود می‌شوند و بدین ترتیب نگرش‌های جدیدی در جهت رشد جامعه و کاهش فقر پدید می‌آید.

این طرح همچنین وضعیت فرهنگ، غذا، آموزش، بهداشت و خدمات اجتماعی مددجویان را ارتقا داد. مزیت دیگر این طرح آن بود که تمام اعضای خانواده، از جمله کودکان و زنان، می‌توانستند در آن شرکت کنند. کاهش فقر یک فرآیند بلندمدت است و ما نباید انتظار موفقیت در کوتاه‌مدت را داشته باشیم؛ به طور معمول دهها سال طول می‌کشد تا بتوانیم چرخه فقر را بطور کامل از بین ببریم. بنابراین توصیه می‌شود علاوه بر توجه به ایجاد اشتغال، به ارتقای سایر زمینه‌ها از جمله فرهنگ در مناطق مورد نظر توجه شود تا این فرآیند بصورت پایدار تداوم یابد تا بدین ترتیب بر عوامل عمیق ساختاری که موجب تحریک و تقویت فقر می‌شوند، غلبه شود.

با توجه به آنکه محدودیت‌ها و چالش‌های پیش‌آمده در فرآیند کار برای تداوم کار مؤثر است، در ادامه برخی محدودیت‌های پیاده‌سازی نوآوری اجتماعی خودکفایی مرغی در بخش‌های مختلف چرخه و برخی راهکارها برای حل آنها مشخص شده است:

- کمبود سواد مالی مددجویان (گاهی مددجویان بدون توجه به سودآوری آتی مرغ‌ها در تولید تخم مرغ، به مصرف گوشت مرغ‌ها می‌پرداختند).

- بیماری مرغ‌ها (یکبار اتفاق افتاد و دوازده مرغ یک خانواده تلف شد).

- حملات روباه‌ها و تلفات مرغ‌ها

- دخالت توزیع‌کننده تخم مرغ محلی در امور (با توجه به این‌که پس از شروع

کار مددجویان، سود فرد مزبور کم شده بود، وی سعی در کارشکنی داشت)، به‌منظور

حل این چالش از این فرد بعنوان پخش کننده تخم مرغ تولیدی مددجویان استفاده شد تا یک بازی برد-برد صورت گیرد.

- عدم همکاری برخی از ساکنان مناطق (با توجه به وجود افراد معتاد در بین خانواده‌ها، این تفکر وجود داشت که نوآوران اجتماعی سعی در معرفی معتادین به پلیس دارند)

- کارشکنی مافیای زباله. با توجه به آنکه پس از رونق کار مددجویان، آن‌ها اقبالی به جمع آوری زباله نداشتند، مورد کارشکنی مافیای زباله قرار می‌گرفتند. به‌منظور حل این چالش از فشار ساکنان مناطق یادشده و کمک نیروی انتظامی استفاده شد.

پیشنهادها

- با توجه به این‌که نوآوری اجتماعی یک مداخله عملی مناسب برای پرداختن به مسائل پیچیده اجتماعی تلقی می‌شود، می‌تواند به عنوان یک ابزار در حوزه مددکاری اجتماعی جهت ایجاد راه‌حل‌های بلندمدت و پایدار مورد توجه قرار گیرد، بدین روی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در موضوع نوآوری اجتماعی به مثابه ابزار مددکاری اجتماعی انجام شود.

- همچنین از آنجاکه اقدام پژوهی با ترکیب روش‌های مختلف، نقش موثری در تغییر و بهبود شرایط اجتماعی، توانمندسازی، تقویت مهارت‌های افراد و ... با هدف مددکاری اجتماعی ایفا می‌نماید، مناسب است مطالعات اقدام‌پژوهی بیشتری در این حوزه صورت گیرد.

- با توجه به آنکه این مطالعه صرفاً منطبق بر چرخه یک نوآوری اجتماعی انجام شده است، پیشنهاد می‌گردد چرخه‌های نوآوری اجتماعی دیگری نیز بررسی گردد.

- نهایتاً آنکه کاهش فقر یک فرآیند بلندمدت و زمانبر است، پیشنهاد می‌گردد پس از طی گذشت زمان، اثربخشی این راهکار، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد.

منابع

- آمارتیاسن. (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه: حسین راغفر، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- بانک جهانی. (۱۳۹۴)، *توانمندسازی و کاهش فقر*، ترجمه: فرزاد پوراصغر سنگاچین و جواد رضوانی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- رضوانی، ابوالفضل؛ ربیعی، علی؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد و فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۹۷)، مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد، *مجلس و راهبرد*، دوره ۲۵: شماره ۹۶، ۲۱۲-۱۷۹.
- زارع، رضا و صفری دشتکی، محمد. (۱۳۹۸)، طراحی و تبیین مدل پارادایمی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: کمیته امداد امام خمینی (ره) استان فارس)، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۷: شماره ۱، ۱۴۷-۱۷۱.
- شیخیان، رضا. (۱۳۹۴)، مزایای پرورش مرغ و جوجه بومی به روش سنتی، *ماهنامه رویان*، دوره ۲: شماره ۱۰.
- صفوی، عیسی؛ ضمیران، بهار؛ معارف‌وند، معصومه و عرشی، ملیحه. (۱۳۹۳)، توانمندسازی اقتصادی دختران و زنان جوان در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۳: شماره ۴، ۱۲-۳.
- صلاحی، احمد (۱۳۹۴)، سرانه مصرف واقعی تخم مرغ در ایران، *دو ماهنامه دنیای کشت و صنعت*، ۱۲-۱۴.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین و دباغی، حمیده. (۱۳۹۷)، تعاونی‌های زنان روستایی، پتانسیلی برای کارآفرینی اجتماعی (مطالعه موردی: تعاونی زنان روستایی مهر آفرین ارم - شهرستان پاکدشت)، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۶: شماره ۱، ۱۷۳-۱۴۹.
- کشتکار هرانکی، مهران. (۱۳۹۵)، *طراحی الگوی راهبردی نوآوری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مبین دهکردی، علی و کشتکار هرانکی، مهران. (۱۳۹۴)، نوآوری اجتماعی: کنکاشی بر مفهوم سازی مبتنی بر تحلیل محتوای تعاریف، *مدیریت نوآوری*، دوره: شماره ۴، ۱۱۵-۱۳۴.
- نجفی، سید محمدباقر؛ خانزادی، آزاد و قادری، الهام. (۱۳۹۶)، تأثیر بهره‌وری نیروی کار بر کاهش فقر در ایران، *مجلس و راهبرد*، دوره ۲۴: شماره ۹۲، ۳۱۱-۳۳۶.

– یاروتینا، دانیل و بزوان، گوئیکو. (۱۳۹۸)، تأثیر نوآوری (اجتماعی): پژوهش مروری، ترجمه: علی اصغر سعدآبادی و سعید رضائی، تهران: انتشارات موسسه کتاب مهربان نشر.

- Anderson, T., Curtis, A., & Wittig, C. (2014). Definition and theory in social innovation. *Social Innovation Blog*.
- Archer, Margaret S. (2015). *Generative Mechanisms Transforming the Social Order*. Cham, Heidelberg, New York, Dordrecht, London: Springer.
- Avelino, F., Wittmayer, J. M., Pel, B., Weaver, P., Dumitru, A., Haxeltine, A. & O'Riordan, T. (2017). Transformative social innovation and (dis)empowerment. *Technological Forecasting and Social Change*.
- Babu, S., & Pinstup-Andersen, P. (2007). *Social innovation and entrepreneurship: Developing capacity to reduce poverty and hunger*. Twenty twenty (2020) focus brief on the world's poor and hungry people/International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Bennett, L. (2002). *Using empowerment and social inclusion for pro-poor growth: a theory of social change*. Working Draft of Background Paper for the Social Development Strategy Paper. Washington, DC: World Bank.
- Bornstein, D., & Davis, S. (2010). *Social Entrepreneurship: What Everyone Needs to Know®*. UK: Oxford University Press.
- Chilvers, J., & Longhurst, N. (2015). *A Relational Co-productionist Approach to Sociotechnical Transitions*. Science, Society and Sustainability (3S) Research Group Working Paper, University of East Anglia (accessed 1/4/16: <https://uea3s.files.wordpress.com/2015/12/chilvers-and-longhurst-3swp-2015-27.pdf>).
- Chilvers, J., & Longhurst, N. (2016). Participation in transition (s): Reconceiving public engagements in energy transitions as co-produced, emergent and diverse. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 18(5), 585-607.
- Chow, J. C. C., Ren, C., Mathias, B., & Liu, J. (2019). InterBoxes: A social innovation in education in rural China. *Children and Youth Services Review*, 101, 217-224.
- Chueri, L., & Araujo, R. (2019). How social innovation projects are managed? Answers from a literature review. *European Public & Social Innovation Review*, 3(2), 23-38.
- Drakakis-Smith, D. (2012). *Urbanisation, housing and the development process*. UK: Routledge.

- Edwards- Schachter, M. E., Matti, C. E., & Alcántara, E. (2012). Fostering quality of life through social innovation: A living lab methodology study case. *Review of Policy Research*, 29(6), 672-692.
- Elkington, J., Hartigan, P., & Litovsky, A. (2010). *From enterprise to ecosystem: rebooting the scale debate*. In Scaling social impact (pp. 83-102). New York: Palgrave Macmillan,.
- Foy Connor, R., & Bent-Goodley, T. B. (2016). Zanzibari social entrepreneurs and poverty alleviation strategies: Understanding efforts to build local community sustainability. *Journal of Community Practice*, 24(3), 302-318.
- Goldsmith, S. (2010). *The power of social innovation: How civic entrepreneurs ignite community networks for good*. USA: John Wiley & Sons.
- Haugh, H. M., & Talwar, A. (2016). Linking social entrepreneurship and social change: The mediating role of empowerment. *Journal of Business Ethics*, 133(4), 643-658.
- Hubert, A. (2010). *Empowering people, driving change: Social innovation in the European Union. Bureau of European Policy Advisors (BEPA)*. Available online: http://ec.europa.eu/bepa/pdf/publications_pdf/social_innovation.pdf.
- Kabeer, N. (2003). *Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals: A handbook for policy-makers and other stakeholders*. UK: Commonwealth Secretariat.
- Klein, J. L., Fontan, J. M., & Tremblay, D. G. (2009). Social entrepreneurs, local initiatives and social economy: foundations for a socially innovative strategy to fight against poverty and exclusion. *Canadian Journal of Regional Science*, 32(1), 23.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Establishing trustworthiness. *Naturalistic inquiry*, 289, 331.
- Longwe, S. H. (1991). *Gender awareness: The missing element in the Third World development project*. UK: Oxfam
- MAJI, A., & ITODO, D. A. (2016). Exploring the Potentials of Social Enterprises for Poverty Alleviation in Nigeria and Cameroon in the 21st Century. *Initiatives*, 8(28).
- Mays, N., & Pope, C. (2000). Assessing quality in qualitative research. *Bmj*, 320(7226), 50-52.

- Mazigo, A. F. (2017). Promoting social innovation through action research: evidence from an empirical study in the fisheries sector of Ukerewe District in Tanzania. *Journal of Human Development and Capabilities*, 18(2), 239-257.
- Moulaert, F. (Ed.). (2013). *The international handbook on social innovation: collective action, social learning and transdisciplinary research*. UK: Edward Elgar Publishing.
- Mulgan, G., Tucker, S., Ali, R., & Sanders, B. (2007). *Social innovation: what it is, why it matters and how it can be accelerated*, Skoll centre for social entrepreneurship. UK: Oxford Said Business School.
- Murray R, Caulier-Grice J, Mulgan G (2010). *The open book of social innovation*. UK: The Young Foundation/NESTA.
- Najafizada, S. A. M., & Cohen, M. J. (2017). Social entrepreneurship tackling poverty in Bamyan Province, Afghanistan. *World Development Perspectives*, 5, 24-26.
- Nichols, N., Phipps, D., Hewitt, A., & Provencal, J. (2013). Knowledge mobilization, collaboration, and social innovation: Leveraging investments in higher education. *Canadian Journal of Nonprofit and Social Economy Research*, 4(1), 25-42.
- Niglas, K. (2004). *The combined use of qualitative and quantitative methods in educational research*. Tallinna Pedagoogikaülikooli Akadeemiline Raamatukogu.
- Ochocka, J., Janzen, R., & Nelson, G. (2002). Sharing power and knowledge: Professional and mental health consumer/survivor researchers working together in a participatory action research project. *Psychiatric Rehabilitation Journal*, 25(4), 379.
- Oliveira, E. M. (2008). *Empreendedorismo social: da teoria à prática, do sonho à realidade*. Brazil: Qualitymark Editora Ltda.
- Oosterlynck, S., Novy, A., Kazepov, Y., Cools, P., Saruis, T., Leubolt, B., & Wukovitsch, F. (2018). *Improving poverty reduction: lessons from the social innovation perspective*. UK: Oxford University Press.
- Peredo, A. M., & McLean, M. (2006). Social entrepreneurship: A critical review of the concept. *Journal of world business*, 41(1), 56-65.
- Rametse, N., & Shah, H. (2013). Investigating social entrepreneurship in developing countries. *World Review of Business Research*, 3(2), 95-112.
- Santos, F. M. (2012). A positive theory of social entrepreneurship. *Journal of business ethics*, 111(3), 335-351.

- Selener, D. (1997). *Participatory action research and social change (No. Ed. 2)*. The Cornell Participatory Action Research Network, USA: Cornell University.
- The World Bank. (2011). *Empowerment. Retrieved September 14, 2011*, from <http://siteresources.worldbank.org/INTEMPowerment/Resources/4863121095094954594/draft2.pdf>
- Totterdill, P., Cressey, P., Exton, R., & Terstriep, J. (2015). *Stimulating, Resourcing and Sustaining Social Innovation-Towards a New Mode of Public Policy Production and Implementation*. Working paper, UK: University of Bath.
- Voorberg, W. H., Bekkers, V. J., & Tummers, L. G. (2015). A systematic review of co-creation and co-production: Embarking on the social innovation journey. *Public Management Review*, 17(9), 1333-1357.
- World Bank. (2012). *The World Bank Annual Report 2012*. The World Bank.
- Wong, L.H. and Davison, R.M. (2018). Knowledge sharing in a global logistics provider: An action research project. *Information & Management*, 55(5), pp.547-557.
- Yang, C. F., & Sung, T. J. (2016). Service design for social innovation through participatory action research. *International Journal of Design*, 10(1), 21-36.